

نصف کارشناسی‌ها از دهک‌های ۹ و ۱۰



زهرا رضایان
رئیس‌کار گروه دانشگاه

رابطه مستقیم بین سطح درآمد خانواده‌ها و شانس بیشتر برای موفقیت فرزندان در رسیدن به رشته و دانشگاه بهتر و همچنین امکان ادامه تحصیل

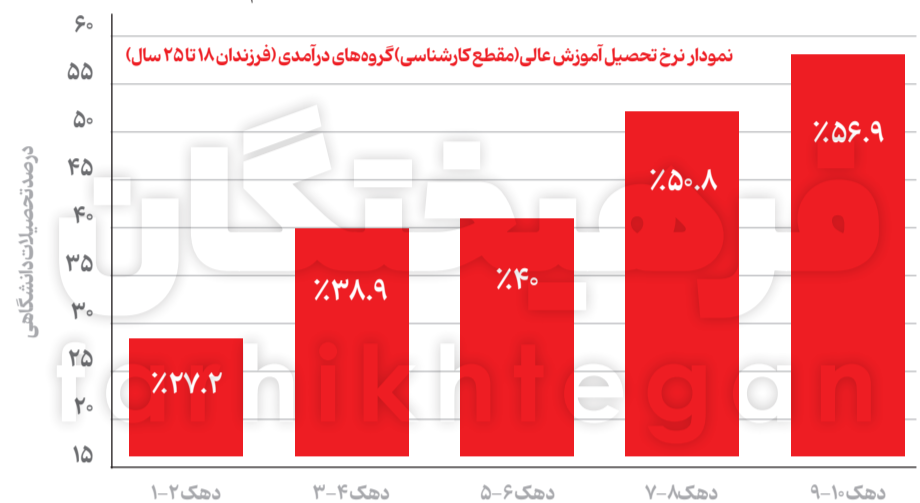
درآمدی مورد مقایسه قرار می‌دهیم، بیشتر به این مساله که عدالت در عرصه آموزش عالی در تمام این سال‌ها مفقود بوده، پی خواهیم برد. گزارش «بررسی وضعیت عدالت آموزش عالی در ایران فصل اول: داده‌ها و شواهد آماری» مرکز پژوهش‌های مجلس نیز با ممالک قرار دادن وضعیت درآمدی خانوارها در سال ۱۴۰۰، بر این مساله صحنه می‌گذارد.

سوابق تحصیلی و تاثیر مثبت در رتبه نهایی داوطلبان طی دو سال اخیر، بارقه‌های امید برای تغییر این وضعیت ایجاد شده اما طبیعتاً تا رسیدن به عدالت آموزشی به معنی واقعی، هنوز راه طولانی‌ای در پیش است. از طرف دیگر هرچه آمارهای مربوط به سهم داوطلبان در رتبه‌های برتر کنکور یا تحصیل در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی را براساس دهک‌های

در مقاطع بالاتر، موضوعی است که دیگر نه تنها مردم، بلکه مسئولان بخش‌های مختلف هم به آن اذعان دارند. اتفاقی که عملاً موضوع تحقق «عدالت آموزشی» را بعد از گذشت نزدیک به پنج دهه به موضوعی ویترنی در فضای آموزش عالی تبدیل کرده است، موضوعی که به نظر می‌رسد گر آن به راحتی هم باز شدنی نیست. هرچند با افزایش سهم

از هر ۵ نفر در دهک‌های بالا ۳ نفر مدرک دانشگاهی دارند

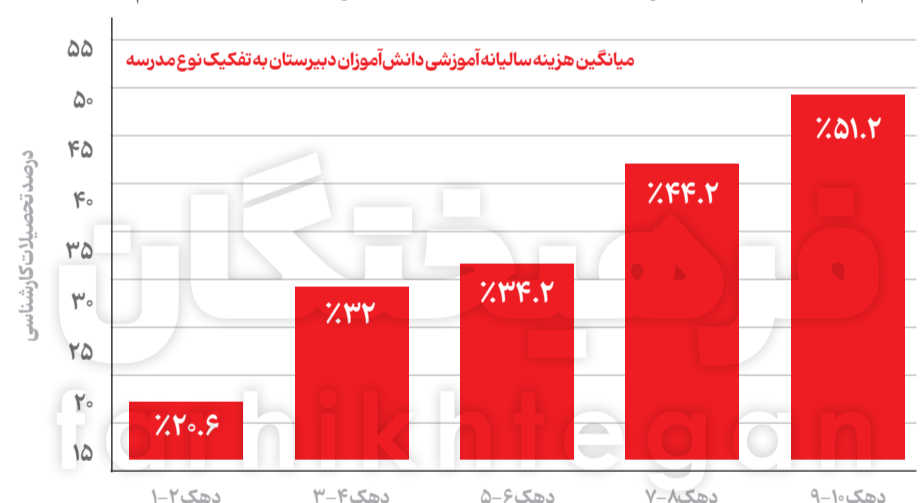
نکته مهم در همین ابتدای گزارش، آن است که بدانیم میزان درآمد سالیانه خانوارها در دهک‌های مختلف چقدر است؟ براساس این گزارش دهک‌های یک و دو در سال ۱۹، ۱۴۰۰، ۱۹ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان درآمد داشتند، رقمی که در دهک‌های سه و چهار به ۴۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان، در دهک‌های پنج و شش به ۶۰ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، در دهک‌های هفت و هشت به ۸۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و در نهایت در دو دهک پایانی به ۱۵۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد؛ تفاوت فاحشی که می‌توان از همین حالا نتیجه گرفت وضعیت تحصیل در دهک‌های پایین درآمدی چگونه خواهد بود. بررسی جامعه آماری ۶۲ میلیون نفری



نیمی از کارشناسی‌ها از دهک‌های ۹ و ۱۰

با حذف مقطع تحصیلی کاردانی و ملاک قرار دادن کارشناسی، باید عنوان کرد باز هم سهم دهک‌های بالای درآمدی از تحصیل یا فاغ التحصیلی از این مقطع، به مراتب بیشتر از دهک‌های پایین درآمدی بوده و بی‌عدالتی در اینجا شکل جدی‌تری به خود گرفته است؛ چراکه عملاً بیش از ۵۰ درصد جمعیت این حوزه به دهک‌های نه و ده می‌رسد و تنها بیست درصد آن به دهک‌های اول و دوم می‌رسد. یعنی عملاً تحصیل دو دهک بالایی در این

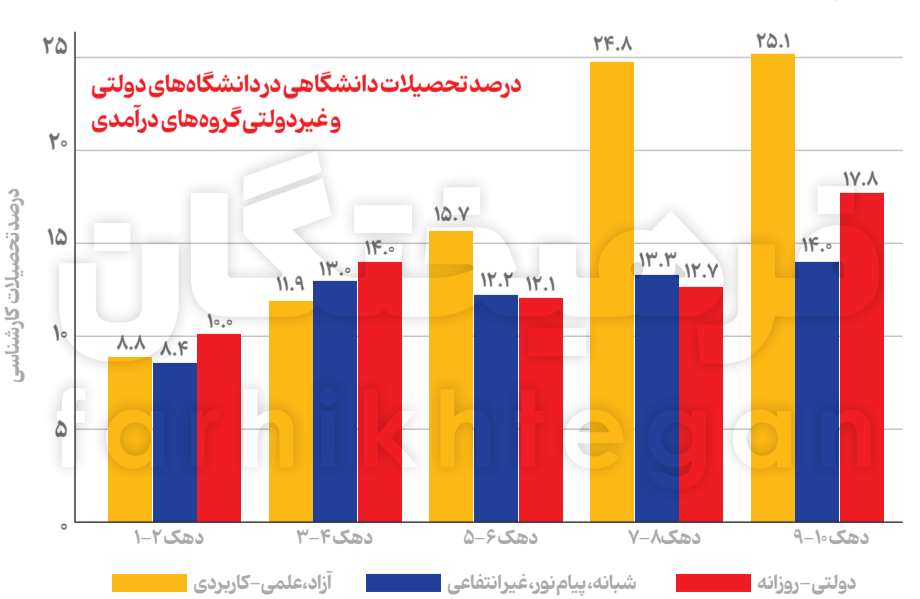
مقطع ۲،۵ درصد بیشتر از دو دهک پایینی درآمدی است. هرچند نمی‌توان این مساله را هم نادیده گرفت که امکان تحصیل در دوره متوسطه برای برخی از خانوارهایی که در دهک‌های پایین قرار می‌گیرند، وجود ندارد و همین مساله هم می‌تواند سهم بسزایی در تحصیلات آکادمیک آنها داشته باشد؛ چراکه نداشتن دیپلم عملاً امکان شرکت آنها در آزمون سراسری و حتی ورود به دانشگاه‌ها از طریق تحصیل در رشته‌های بدون آزمون را هم نمی‌دهد.



دانشگاه‌ها چگونه قرق پولدارها شد؟

نسبت حضور داوطلبان در زیرنظام‌های دانشگاهی مختلف نشان می‌دهد علی‌رغم رایگان بودن تحصیل در دانشگاه‌های دولتی، باز هم سهم دهک‌های پایین در آنها به مراتب کمتر از دهک‌های درآمدی بالا خواهد بود؛ موضوعی که دلیل آن را می‌توان به صراحت شرط قبولی در دانشگاه‌های دولتی دانست. یعنی عملاً هر داوطلبی که بتواند هزینه بیشتری را برای قبولی در کنکور صرف کند، احتمال قبولی‌اش و رسیدن به صندلی دانشگاه‌های دولتی هم بیشتر خواهد بود. از این رو داوطلبان این دهک‌ها اگر نتوانند به دانشگاه‌های دولتی برسند، معضلی نیز از بابت تحصیل در دیگر زیرنظام‌های آموزشی نخواهند داشت. همین مساله باعث

شده تاریخ تحصیل فرزندان دو دهک نه و ده در دانشگاه‌های دولتی روزانه، دانشگاه‌های دولتی شبانه، پیام‌نور و غیرانتفاعی و دانشگاه‌های آزاد و علمی-کاربردی به ترتیب با نرخ ۱۷،۸ و ۲۵،۱ درصد باشد. هرچند که نسبت حضور دهک‌های درآمدی در دانشگاه‌های دولتی اختلاف دوبرابری دارد و این میزان در دانشگاه‌های غیردولتی به حدود سه برابر می‌رسد. به صورت کلی باید عنوان کرد که در دهک‌های بالا برخلاف دهک‌های پایین درآمدی، نقش کالای خاص را ندارد، درحالی که بخشی از دهک‌های پایین به دلیل مشکلات مالی ترجیح می‌دهند از قید تحصیلات دانشگاهی بگذرند.

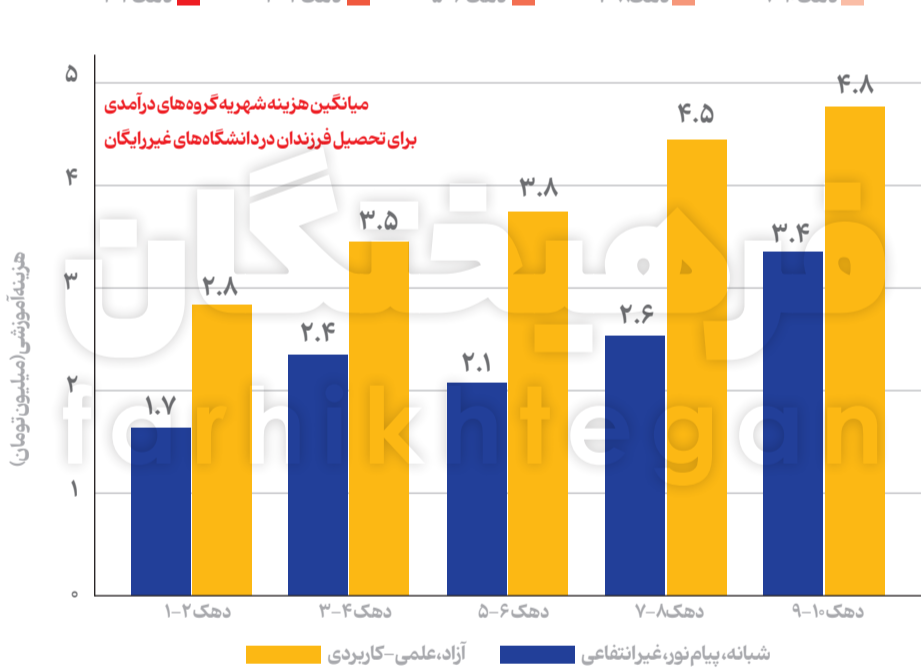
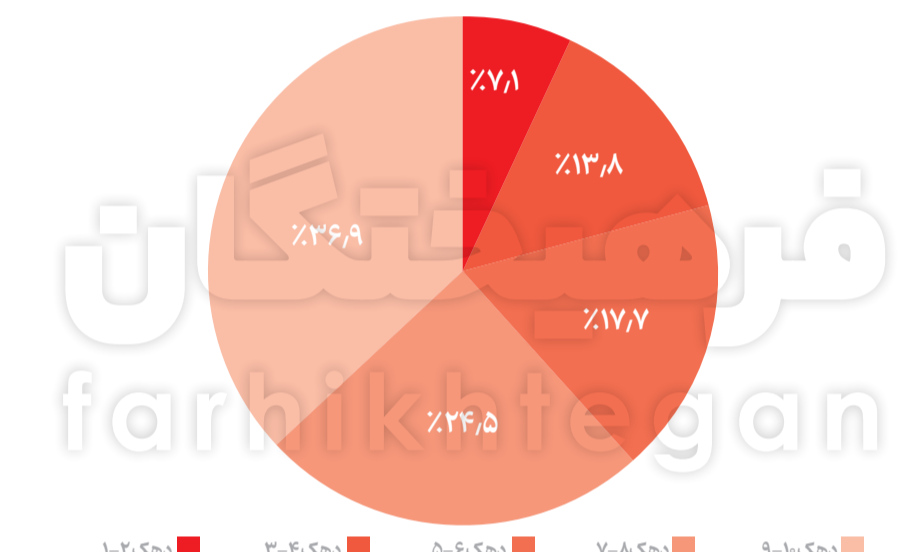


۲ دهک اول ۵ برابر ۲ دهک آخر به آموزش رایگان دسترسی دارند

موضوع اصلی در آموزش عالی، هزینه‌کرد دولت از منابع عمومی برای فراهم‌سازی امکان تحصیل رایگان در دانشگاه‌های دولتی است. دانشگاه‌هایی که برخی از آنها برزند کشور در سطح جهانی محسوب شده و به همین دلیل رسیدن تحصیل در آنها باید به‌گونه‌ای باشد که همه اقشار جامعه بتوانند از آن بهره‌مند شوند؛ اما نگاهی به سهم دهک‌های درآمدی از جمعیت دانشجویی کشور که شامل فرزندان رده سنی ۱۸ تا ۲۴ سال خانوارها می‌شود، عملاً نشان می‌دهد دهک‌های نه و ده بخش قابل توجهی از جمعیت دانشجویی را در اختیار دارند؛ و در مقابل سهم دهک یک و دو کمتر از ده درصد است؛ اتفاقی که نشان می‌دهد توزیع امکانات آموزشی رایگان به درستی در کشور صورت نگرفته و عملاً بخش عمده هزینه‌کرد دولت برای آموزش عالی به نفع دهک‌های بالا تمام شده است. مقایسه دو دهک اول و آخر درآمدی کشور نشان می‌دهد که سهم دهک‌های بالای درآمدی از دسترسی به آموزش رایگان پنج برابر دهک‌های پایین است.

حاصلیات دانشگاهی که دیگر وضعیت روشنی دارد؛ چراکه عملاً دهک‌های بالاتر درآمدی این امکان را دارند که در رشته‌ها و دانشگاه‌های گران‌تری نسبت به دهک‌های پایین‌تر تحصیل کرده و طبیعتاً آینده شغلی تضمین شده‌تری هم داشته باشند. به زبان آمار باید عنوان کرد که پرداخت شهریه سالانه برای دهک‌های نه و ده، در دانشگاه آزاد و علمی-کاربردی به صورت متوسط ۱،۵ برابر بیشتر از دهک‌های یک و دو جامعه اعلام شده است؛ هر چند در این میان نمی‌توان این مساله را هم نادیده گرفت که هر دو دهک ترجیح می‌دهند اگر می‌خواهند شهریه بپردازند، آن را برای زیرنظام‌های دانشگاه آزاد و علمی-کاربردی هزینه کنند. به طوری که میزان پرداخت شهریه برای این دو دانشگاه در دهک‌های یک و دو به صورت میانگین دو میلیون و هشتصد هزار تومان برای دانشگاه پیام‌نور، غیرانتفاعی و دوره‌های شبانه به یک میلیون و هفتصد هزار تومان می‌رسد؛ البته این میزان در دهک‌های بالا به ترتیب به چهار میلیون و هشتصد هزار تومان و سه میلیون و چهارصد هزار تومان می‌رسد.

سهم گروه‌های درآمدی از جمعیت دانشجویان (فرزندان ۱۸ تا ۲۴ سال)



دو دهک بالا ۲،۳ برابر در دبیرستان بیشتر هزینه می‌کنند

شاید بد نباشد به این مساله هم پرداخت که وضعیت بهتر تحصیل در دهک‌های بالای درآمدی نه تنها به مقطع دانشگاهی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شرایط در مقطع دوران متوسطه به مراتب بدتر هم شده است؛ به طوری که در سال ۱۴۰۰، متوسط هزینه‌کرد سرانه خانوارهای دو دهک بالای درآمدی برای فعالیت‌های آموزشی هر فرزند به دو میلیون و سیصد هزار تومان می‌رسد، در حالی که این میزان در دهک دیگر تنها هفتصد هزار تومان بوده است؛ یعنی عملاً دهک‌های بالا این امکان را دارند که شرایط مناسب‌تری را برای تحصیل فرزندان‌شان در این مقطع که آینده آنها در تحصیلات آکادمیک را هم مشخص می‌کند، فراهم سازند. واقعیت آن است که میانگین هزینه سالانه آموزشی در دهک‌های اول و دوم برای دوران دبیرستان به ۲۹۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۰ می‌رسد؛ رقمی که در دو دهک بعدی به ۳۷۰ هزار تومان، در دهک‌های پنج و شش به ۵۷۰ هزار تومان و در دو دهک بعدی به ۷۳۰ هزار تومان می‌رسد، اما این میزان در دو دهک درآمدی بالا با رشد قابل توجهی همراه بوده است، به طوری که خانوارهایی که در این دهک‌ها قرار می‌گیرند، امکان هزینه‌کرد تا مبلغ دو میلیون و ۲۸۰ هزار تومان در سال را داشته‌اند. همین میزان نشان می‌دهد که آنها می‌توانند شرایط بهتری را برای تحصیل فرزندان‌شان در این دوره فراهم کنند؛ اتفاقی که تداوم آن در دوران تحصیلات تکمیلی هم باعث خواهد شد تا عملاً بهره اصلی از نظام آموزشی کشور در اختیار دو دهک درآمدی بالا قرار بگیرد؛ موضوعی که بار دیگر نشان می‌دهد عدالت آموزشی چه در سطح دانشگاه و چه دوران متوسطه، تحقق پیدا نکرده است. از سوی دیگر نمی‌توان این مساله را هم نادیده گرفت که تحصیل در دوران پیش از دانشگاه

هم به دلیل شرایط کنکوری که تا سال ۱۴۰۰ وجود داشت، بیشتر به مدارس غیرانتفاعی و سمپاد متمرکز بود و خانواده‌هایی که امکان پرداخت شهریه این مدارس را داشتند، ترجیح می‌دادند فرزندان‌شان به جای نشستن بر سر کلاس‌های پرترکم مدارس دولتی، بر سر کلاس‌های چنین مدرسه‌ای بنشینند و طبیعتاً بهره‌مندی هم از آموزش‌ها ببینند.

پولدارها ۴ برابر دهک‌های ۱ و ۲ هزینه غیردولتی می‌دهند

اگر بخواهیم به صورت جزئی‌تر به تحصیل دانش‌آموزان دهک‌های مختلف درآمدی در دبیرستان‌های دولتی و غیردولتی بپردازیم، در ابتدا باید بگوییم که سهم مدارس دولتی در همه دهک‌ها تفاوت فاحشی با مدارس غیردولتی دارد، اما میزان هزینه آموزشی‌ای که برای مدارس دولتی در دهک‌های اول و دوم هزینه می‌شود به ۲۰۰ هزار تومان و برای مدارس غیردولتی به سه میلیون تومان می‌رسد، در حالی که این میزان در دهک‌های نه و ده به ترتیب ششصد و یازده میلیون و سیصد هزار تومان است. به عبارت دقیق‌تر دهک‌های بالای درآمدی چهار برابر بیشتر از دهک‌های پایین برای حضور در مدارس غیرانتفاعی هزینه می‌کنند. هزینه‌ای که قطعاً دسترسی آنها به تجهیزات و امکانات آموزشی را هم برای این طبقه از جامعه به مراتب متفاوت‌تر خواهد کرد. این میزان در دهک‌های دو و سه به ترتیب به سیصد هزار و پنج میلیون و سیصد هزار تومان و برای دهک‌های پنج و شش نیز به ترتیب به چهارصد هزار و پنج میلیون و پانصد هزار تومان و در دهک‌های هفت و هشت به چهارصد هزار و پنج میلیون و هفتصد هزار تومان رسیده است.